

بررسی شرایط و زمینه‌های جواز چندهمسری

در قرآن کریم*

□ محمد سلطانی رثانی^۱

چکیده

بنابر گزارش‌های تاریخی، چندهمسری در فرهنگ‌ها و سرزمین‌های گوناگون، پیش و پس از اسلام رواج داشته است. قرآن کریم نخستین خانواده را حاصل ازدواج یک مرد با یک زن می‌شمرد. آیه سوم سوره نساء، در آن صورت که بیم رود دادگری میان یتیمان رعایت نشود، ازدواج یک مرد با حداقل چهار زن را روا می‌شمرد. مفسران در بیان ارتباط این شرط (بیم از بیداد بر یتیمان) و جزا (جواز چندهمسری) سخنان گوناگون گفته‌اند. به هر روی، وجود خانواده‌های بی‌سروضت، دختران یتیم و زنان بیوه، زمینه و حکمت چندهمسری است و رعایت عدالت میان همسران شرط این حکم است. آمار مرگ‌ومیر ناشی از جنگ، قتل عمد، تلفات جاده‌ای، و بیماری‌های سخت در سطح ملی و جهانی همه نشان‌گر آن است که مرگ در مردان، به ویژه در سنین جوانی و میان‌سالی بیشتر از زنان روی می‌دهد. این مسأله، موجب بر هم خوردن تناسب جنسیتی در جوامع بشری می‌شود، به گونه‌ای که در برابر هر مرد در سن ازدواج بیش از یک‌زن قرار می‌گیرد. ارتباط میان شرط و جزا موجود در آیه سوم سوره نساء و آمارهای موجود نشان‌دهنده این واقعیت است که چندهمسری نه از سر هوس رانی

یا تعدد طلبی، بلکه به مثابه یک ضرورت اجتماعی و برای تامین نیازهای زنان بیوه و دختران یتیم در جوامع بشری شکل گرفته و در شریعت اسلامی روا داشته شده است. از این‌رو، چند همسری در این چارچوب و با رعایت شروط عدالت، معاشرت متعارف، تامین هزینه‌های زندگی همسران و نامشروع بودن روابط تعلیقی، حکمی موّجه و قابل دفاع است.

واژگان کلیدی: چند همسری، تناسب جنسیتی جمعیت، آیه سوم سوره نساء، احکام خانواده.

مقدمه

ادیان ابراهیمی، از جمله اسلام، نخستین خانواده را حاصل ازدواج یک مرد و یک زن می‌شمرند: آدم و حوا.

و گفتیم: «ای آدم، تو و همسرت در بوستان جای گیرید و به گوارانی از آن‌چه که می‌خواهید، بخورید» (پقره/ ۳۵).

پس این نخستین خانواده و طبیعی‌ترین گونه خانواده: تک‌همسری، یک مرد برای یک زن، و یک زن برای یک مرد و تناظر یک‌به‌یک است.

پس از آن، در فرهنگ و تمدن‌های مختلف، یک مرد چند زن را به همسری گرفت؛ در تمدن باستانی آشور، بابل، هند، چین، آفریقا و مصر و در ایران نیز چند همسری بوده است.

کریستین سن (خاورشناس و لغت‌پژوه دانمارکی، م. ۱۹۴۵) در بیان بنیاد خانواده دوره ساسانی می‌نویسد: «اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می‌رفت. در عمل تعداد زنانی که یک مرد می‌توانست بگیرد، به نسبت توانایی مالی او بود» (کریستین سن، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

آفای سعید نفیسی (نویسنده، مورخ. م. ۱۳۴۵ اش.) نیز در این‌باره می‌نویسد: «تعداد زنانی که مرد می‌توانست بگیرد، نامحدود بود و گاه در اسناد یونانی دیده می‌شود که مردی چند صد زن داشته است» (نفیسی، ۱۳۹۰: ۸۶).

و گوستاو لوپون (فیلسوف و مورخ فرانسوی، م. ۱۹۳۱) می‌نویسد: «رسم تعدد زوجات ابدًاً مربوط به اسلام نیست و قبل از اسلام هم این رسم در میان تمام اقوام

شرقی از یهود و ایرانی و عرب و غیره شایع بوده است» (لوبون، ۱۳۸۷: ۷۱).

۱۴۷

خانواده‌های چندهمسری، پیش از ظهر حضرت موسی نیز رواج داشته است. آن حضرت، بیش از یک همسر در خانه داشته است. در تورات نیز چند همسری امضاء و تأیید شده و به مرد فرمان داده شده است که اگر زنی دیگر به همسری گرفت، از حق زن پیشین نکاهد (سفر خروج، بخش ۲۱، فراز ۱۰). در انجیل و آموزه‌های حضرت مسیح و حواریون آن حضرت نیز منعی درباره ازدواج با بیش از یک زن نیست.

در بسیاری از محیط‌های حقیقی و مجازی، یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین شناسه‌های دین اسلام، روابودن چندهمسری است؛ گویی اسلام را با پدیده چندهمسری می‌شناسند. این دیدگاهی نارواست؛ ازدواج یک مرد با چند زن در ادیان و فرهنگ‌های پیشین نیز مجاز شمرده شده است. از سوی دیگر، در اسلام، هر چند به اصل ازدواج و تشکیل خانواده فرمان داده شده و مجرد ماندن (حتی در سنین سال خوردگی) نکوهش شده است؛ ولی ازدواج با چند زن، فضیلت و برتری به شمار نمی‌آید و هیچ تشویقی بدین کار در قرآن و سخنان پیامبر و امامان معصوم یافت نمی‌شود.

به هر روی، جواز ازدواج یک مرد با چند زن، به صورت یک حکم صریح اسلامی، مورد اعتراض و انتقاد گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد. ممکن است تعدد زوجات با حقوق و کرامت زن، از این‌رو که یک مرد برای یک‌زن است، همان‌گونه که یک زن برای یک مرد است و ازدواج یک مرد با چند زن موجب کاسته شدن حقوق زنان است و ممکن است گفته شود تعدد زوجات موجب ایجاد و دوام تنش در خانواده شود؛ مخالف دانسته شود. و در نتیجه، تعدد زوجات به عنوان یک نقیصه و عیب بر اسلام شمرده شود و ممنوعیت آن در آئین‌ها و مکاتب دیگر مایه برتری و مزیت بر اسلام دانسته شود. حال چند پرسش در این‌جا پدید می‌آید:

الف. چندهمسری در آموزه‌ها و احکام اسلامی، به ویژه در قرآن کریم، چه جایگاهی دارد؟

ب. ازدواج یک مرد با چند زن، هنچار است یا ناهنجار؟ آیا ضرورت اجتماعی

است؟ یا خیانت مرد به همسر اولش؟

ج. اصولاً در جوامع مختلف بشری چه عاملی موجب تشکیل خانواده‌ها با یک مرد

آن‌چه به ویژه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های جواز چند همسری در قرآن کریم است. بی‌گمان با تحلیل و بررسی آیات وحی در این باب، جایگاه چند همسری در شریعت اسلام آشکار خواهد شد و داوری در این باره بر پایه دانسته‌های کامل، صحیح و معتبر شکل خواهد گرفت.

۱. پیشینهٔ پژوهش

از آنجا که چند همسری همواره پرسشی پرچالش و موضوعی مطرح بوده است، گذشته از تفاسیر قرآن کریم و کتب فقهی، تک‌نگاره‌هایی به شکل کتاب، پایان‌نامه و مقاله در این موضوع تدوین و نشر یافته است. کتاب تعدد زوجات و مقام زن در اسلام اثر علامه طباطبائی و کتاب اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب از استاد شهید مطهری، به صورت ویژه بر نظام‌نامه جنسی اسلام و راه‌گشایی حکم تعدد زوجات تاکید داردند. از آن‌سو کتاب زنان و قوانین تبعیض آمیز در ایران مجموعه مقالاتی را دربردارد که برخی از آن‌ها پدیده چند همسری را به عنوان یک تبعیض قانونی شده، به زیان زنان طرح نموده است؛ از مجموعه این مقالات، مقاله خانم فیروزه مهاجر با عنوان "عدالت و تعدد زوجات در متون قانونی" قابل توجه است. مقاله بازنگار چند همسری در جامعه اثر رضا رمضان نرگسی در مجله مطالعات راهبردی زنان شماره ۲۷، نخستین گزارشی از تاریخچه چند همسری در تمدن‌های مختلف ارائه داده است و پس از آن از پیامدهای اجتماعی-خانوادگی چند همسری سخن گفته است.

گذشته از آثاری که بیشتر بر جنبه‌های حقوقی یا آثار اجتماعی تعدد زوجات تکیه داشته‌اند؛ آثاری به ویژه درباره حکم تعدد زوجات در شریعت اسلامی و قرآن کریم تدوین شده‌اند. از آن‌جمله، دو مقاله "آیه تعدد زوجات حکمی مطلق یا مشروط؟" اثر دکتر رضا شکرانی و مهدی حبیب‌اللهی در مجله پژوهش نامه زنان شماره ۲(صص ۹۳-۱۱۸) و "رعایت عدالت در تعدد زوجات" اثر مسعود امامی در مجله کاوشنی نو در فقهه شماره ۴ (صص ۲۲-۴) به بررسی شرط عدالت در جواز چند همسری پرداخته‌اند.

در میان همه این آثار، نزدیک‌ترین به پژوهش حاضر، مقالهٔ بررسی تفسیری آیه «واختم الاتعدلوا فی الیتامی» اثر دکتر محمدحسن رستمی در مجلهٔ مطالعات تفسیری شمارهٔ ۳۳ (صص ۲۶-۷) است. این مقاله هر چند به تفسیر و تشریح مفردات آیه سوم نساء پرداخته و برخی از اقوال را در ارتباط شرط و جزای این آیه برشمرده؛ ولی از بیان تناسب میان سه ضلع حکم چندهمسری، شرط و جزای موجود در آیه سوم نساء، و واقعیت‌های اجتماعی زمینه‌ساز چندهمسری بازمانده است.

آن‌چه هدف اصلی پژوهش حاضر است، بیان ارتباط شرط و جزای موجود در آیه سوم سوره نساء، پیوند میان این شرط و جزا و حکم چندهمسری و در مرتبه سوم، تطبیق آیه سوم نساء و نتایج آن بر واقعیت‌های اجتماعی است. بر این اساس، مباحث صرفاً حقوقی یا اجتماعی در مسئلهٔ چندهمسری مورد نظر نیست؛ بلکه محور این پژوهش، چنان‌که در عنوان نیز آمده، پاسخ بدین پرسش است که شرایط و زمینه‌های چندهمسری در قرآن کریم، به ویژه آیه سوم نساء، کدام است؟ و حکم به جواز چندهمسری در منظومةٔ احکام خانوادگی-اجتماعی اسلام چه جایگاهی دارد و با حقایق امروزین جامعه چه ارتباطی برقرار می‌کند.

۲. قرآن کریم و چندهمسری

چنان‌که گذشت، قرآن کریم اولین خانواده را تک همسری می‌داند (بقره/ ۳۵؛ اعراف/ ۱۸۹). از پنج پیامبر بزرگ، دربارهٔ حضرت نوح، تنها سخن از یک همسر آمده است، (تحریم/ ۱۰). حضرت ابراهیم یک همسر داشت و چون از وی پسری به دنیا نیامد، همسرش (ساره) کنیز خویش (هاجر) را به ازدواج ابراهیم درآورد. حضرت موسی با دو خواهر (دو دختر شعیب) ازدواج کرد (قصص/ ۲۵). آن‌گونه که معروف است، حضرت مسیح ازدواج ننمود و قرآن کریم نیز یحیی را به همسر نگرفتن توصیف کرده است (آل عمران/ ۳۹). پیامبر اسلام ﷺ از ۲۵ تا ۵۳ سالگی یک همسر (خدیجه، و پس از وی سوده) در خانه داشت، ولی در ده سال پایانی زندگی خویش (۵۳ تا ۶۳ سالگی) زنانی را به همسری گرفت (ایوب، ۲۰-۲۲: ۱۴۱۷). از دیگر پیامبران که داستانشان در قرآن

است، زکریا و لوط دارای یک همسر بودند (انبیاء / ۹۰، عنکبوت / ۳۳). و یعقوب و سلیمان دارای چند همسر بودند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۷۷ و ۱۲/۷۷).

قرآن کریم روابط دوستانه، غیررسمی و بدون چهارچوب میان مرد و چند زن را نمی پذیرد. در حجاز پیش از اسلام، یک مرد می توانست بی شمار زن در خانه خویش داشته باشد (زوجه)، و با زنان پرشماری نیز دوست و همنشین (خَدَن) باشد و هرگاه خواست با هر زنی، حتی زنان شوهردار، همبستر شود.

قرآن کریم از این گونه روابط نهی می کند و تنها راه ایجاد رابطه جنسی را ازدواج می شمرد. ﴿إِنَّكُحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ لَا تُوهُنَّ أُجْوَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ عَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ﴾؛ پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری درآورید و مهرشان را به طور پستنده به آنان بدھید پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست گیران پنهانی نباشند (نساء / ۲۵).

در مورد ازدواج و تشکیل خانواده نیز قرآن کریم شرایطی را در نظر می گیرد؛ ازدواج با کافران، مشرکان، زناپیشه گان و آلوده دامنان ممنوع است. ﴿وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنْنَ وَ لَآمَةٌ مُؤْمِنَةٌ حَيْرٌ مِّنْ مُشْرِكَةِ وَ لَوْ أَعْجَبْتُكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعْبُدُ مُؤْمِنٌ حَيْرٌ مِّنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبْتُكُمْ﴾؛ و با زنان مشرک ازدواج مکنید، تا ایمان بیاورند. بی گمان کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند او شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. بی گمان برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد (بقره / ۲۲۱).

﴿إِلَيْنِي لَا يُكِحُ إِلَّا زَانِيَةً وَ مُشْرِكَةً وَ إِلَيْنِي لَا يُنْكِحُهَا إِلَّا زَانِي أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرْمَ ذِلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این کار حرام گردیده است (نور / ۳).

در آیه سوم سوره نساء، ازدواج مرد مسلمان با دو، سه و چهار زن روا شمرده شده است. برای آن که دید کاملی از این آیه به دست آوریم، سه آیه نخست سوره نساء را مورد بررسی قرار می دهیم.
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَ

مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَّقِيبًا * وَ آتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبْدِلُوا الْحِلْبَى * وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا * وَ إِنْ خِفْشُمْ لَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَإِنْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَئُشَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْشُمْ الْأَتَعْدُلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدَمَى الْأَتَعْوُلُوا؛ ای مردم، از پروردگارتن پروا داشته باشد، که شما را از یک تن آفرید و از [جنس] او همسرش را آفرید و از آندو، مردان و زنان بسیاری را پراکند و از خداوند پروا داشته باشد که به نام وی از یکدیگر درخواست می کنید و از خویشاوندان خویش مبڑید که بی گمان خدا بر شما نگاهبان است و دارایی های یتیمان را به ایشان دهید و پلید را جانشین پاکیزه ننمایید و دارایی های آنان را با دارایی خویش مخورید که این گناهی بزرگ است. و اگر بیم دارید که میان یتیمان دادگری نکنید، پس از آن زنان که می پسندید؛ دو، سه و چهارتا به همسری بگیرید و اگر بیم دارید که دادگری نکنید یک همسر یا کنیز برگیرید، این [راه] بهتر است تا ستم نکنید (نساء ۱۳/۳).

۱۵۱

در آیه نخست، خداوند دوبار به تقوا و پرهیزگاری فرمان می دهد، و در ضمن بنای نخستین خانواده را، از یک مرد و یک زن می شمرد. در آیه دوم سخن از یتیمان است؛ احتمال مرگ مردان عرب در جنگ، سفر و بیماری ها بسیار بود، بنابراین هر مردی، به یکی از دوستان یا خویشان خویش وصیت می کرد که سرپرست فرزندان وی باشد. بر این اساس، در خانواده های بسیاری، پسران و دختران یتیم می زیستند. دارایی های این یتیمان در اختیار سرپرست آنان بود و خداوند مسلمانان را از مخلوط کردن یا جابجایی اموال یتیمان با اموال خود بحران می دارد. در آیه سوم، دو مسأله قابل توجه است؛ نخست شرط و جزای را شاهد هستیم: «اگر بیم دارید که بین یتیمان دادگری نکنید، پس از آن زنان که می پسندید دو، سه و چهارتا به همسری بگیرید» (نساء ۳/۳).

چه ارتباطی میان این شرط و جزاست؟ چه ارتباطی میان دادگری میان یتیمان و چند همسری است؟ و مسأله دوم، پایان آیه است که رعایت عدالت را شرط جواز چند همسری می شمرد.

تفسران در بیان ارتباط میان شرط و جزای آیه سوم سوره نساء، دادگری میان یتیمان و جواز چند همسری، چند گونه سخن گفته اند که با توجه به قرایین درون آیات و

- روایات وارد در شأن نزول و تفسیر آیه، می توان پنج سخن را در این موضوع برگزید.
۱. سرپرست یتیمان، چون می خواست از دارایی و زیبایی دختران یتیم ب Roxوردار شود، آنان را با مهریه اندکی به همسری می گرفت. خداوند می فرماید: (اگر بیم دارید که در ازدواج با دختران یتیم به عدالت رفتار نکنید، از ازدواج با یتیمان درگذرید و از زنان دیگر، همسر دوم و سوم بگیرید) (نساء/۳).
 ۲. پسران یتیم به زودی توانایی زندگی مستقل را پیدا می کردند، ولی دختران یتیم تا هنگام ازدواج نزد سرپرست خویش می ماندند. نگهداری دختر یتیم و جدانگه داشتن اموال وی دشوار بود؛ بنابراین خداوند می فرماید: (اگر بیم دارید که درباره دختران یتیم دادگری نکنید، با آنان ازدواج کنید و آنان را همسر دوم و سوم و چهارم خویش قرار دهید) (بلاغی، ۱۴۲۰: ۸/۲).
 ۳. سرپرست یتیمان، همسران پرشمار می گرفت و فرزندان بسیاری به وجود می آمدند و البته خانواده پر جمعیت، پرهزینه است. هزینه های بسیار، مرد را وامی داشت که به اموال یتیمان دست اندازی کند. خداوند می فرماید: (اگر بیم دارید به یتیمان ستم کنید و به اموالشان دست اندازید، شمار همسران خویش را بیش از چهارت تن نکنید. دو، سه و یا چهار زن بگیرید و نه بیشتر). این وجهه از عبدالله بن عباس و عکرمه نقل شده است (طبری، ۲۰۰۰: ۷/۵۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۵۳۵).
 ۴. مردان مسلمان در پی آیات پرشماری که نسبت به امر یتیمان هشدار می داد، از ستم به یتیمان بیم داشتند؛ ولی از ستم نسبت به زنان حذر نمی کردند و پرشمار همسر می گرفتند و حقوق آنان را پاس نمی داشتند. خداوند می فرماید: (همان گونه که از ستم به یتیمان بیم دارید، از ستم به زنان نیز بیم داشته باشید و بیش از چهار زن را به همسری نگیرید). این وجهه از عبدالله بن عباس و سعید بن جبیر نقل شده و مورد پذیرش برخی مفسران قرار گرفته است. (طبری، ۲۰۰۰: ۴/۱۵۸؛ سید رضی، ۱۳۵۴: ۱/۲۸۵).

۵. سرپرست باید در دارایی‌های یتیمان تصرف کند، اموال آنان را باید جدا نگه دارد، به یتیمان محبت کند و آنان را تربیت نماید. در حالی که این سرپرست (قیم، وصی) هیچ رابطه خویشاوندی با یتیمان ندارد. بیم آن است که سرپرست در نگهداری یتیمان دادگری نکند، خداوند می‌فرماید: (اگر چنین بیم دارید با زنان (مادران آن یتیمان) ازدواج کنید تا آن یتیمان فرزندخواندگان شما شوند و شما بتوانید در مقام پدرخوانده آنان را سرپرستی کنید). برخی از مفسران معاصر این وجه را برترین و مناسب‌ترین سخن در بیان ارتباط میان دادگری میان یتیمان و چندهمسری دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۰۹: ۲۶۴/۷، معرفت، ۱۴۱۳: ۱۶۴). از آن جمله، آیت الله سید محمد تقی مدرسی در این باره می‌نویسد: حل مشکلات یتیم در شکل عمومی و گسترده آن، همانا ازدواج با بیوه‌زنان و مادران یتیمان است. و از این جهت فلسفه چندهمسری را حل مشکلات اجتماعی می‌باییم. مرد جوان هیچ‌گاه در ازدواج نخست با بیوه‌زن سال‌خورده همسر نمی‌شود، مگر آن که برای حفاظت و نگهداری از بیوه‌زن و فرزندان یتیمش با آن زن ازدواج کند. و بدین جهت قرآن کریم میان بیم بیدادگری به یتیمان و چندهمسری ارتباط قرار می‌دهد (مدرسی، ۱۴۰۹: ۲۱/۲).

سخن از وجود ارتباط میان شرط و جزای آیه سوم سوره نساء و داوری میان آن‌ها مجالی دیگر می‌طلبد، ولی آن‌چه که از همه این سخنان و البته ظاهر آیه، برمی‌آید آن است که چندهمسری در زمینه و شرایطی روا دانسته شده است که دخترانی یتیم و در سن ازدواج و بیوه‌زنانی وجود داشته‌اند. و ازدواج دوم و سوم به گونه‌ای ضامن رعایت دادگری میان آنان بوده است.

آیه سوم سوره نساء در صورتی ازدواج مرد با زن دوم و سوم را روا دانسته است که بیم از ستم بر یتیمان باشد. حال آیا می‌توان گفت چندهمسری به طور عمومی و برای همه مردان روا نیست، و تنها برای مردانی رواست که سرپرست یتیمان شده‌اند و ازدواج مجدد آنان به دادگری میان یتیمان کمک می‌کند؟!

بی‌گمان یک قانون زمینه و بستری دارد. برای نمونه، توقف اتوبیل در برابر چراغ قرمز برای آن است که خودروها به یک دیگر برخورد نکنند، و بستن کمربند ایمنی برای آن است که در صورت ایست ناگهانی خودرو، سرنشینان به سمت جلو پرتاپ نشوند.

هر چند زمینه وضع این دو قانون چنین است؛ ولی هر دو قانون عمومیت می‌یابند و حتی در مواردی که آن‌زمینه نیست، نیز باید رعایت شوند. بنابراین، اگر شما به چهارراهی برسید که هیچ خودرویی در اطراف آن نیست، باز باید پشت چراغ قرمز توقف کنید. و اگر سرعت خودرو به اندازه‌ای کم است که توقف ناگهانی موجب پرتاب شدن شما نمی‌شود، باز باید کمربند ایمنی را بیندید. ممکن است حکمت وضع یک قانون خاص و ویژه باشد، ولی آن قانون فراگیر می‌شود. بنابراین، نمی‌توان گفت چندهمسری در شریعت اسلامی تنها برای سرپرستان یتیمان و در جهت دادگری میان آنان رواست.

برای نمونه در برخی روایات آمده است که غسل جمعه از آنروی قرار داده شد که برخی مسلمانان از کشتزار خویش به نماز جمعه حاضر می‌شدند و نمازگزاران از بوی بدن آنان اذیت می‌شدنند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۱۵/۳، ۳۷۴۲). علامه سید ابوالقاسم خویی پس از اشاره بدین روایات می‌نویسد: «پاکیزگی حکمت استحباب غسل جمعه است، نه علت آن. حکم با وجود علت شکل می‌گیرد و با انتفاء علت از میان می‌رود، ولی حکمت این گونه نیست» (خوبی، ۱۴۱۰: ۲۴/۵).

آری این سخن پذیرفته است که اصل و اساس ازدواج مجدد با رعایت دادگری گره خورده است و حکمت اصلی این حکم در ازدواج با بیوه زنان و دختران بی سرپرست جریان پیدا می‌کند و آن گونه چندهمسری که این حکمت را محدودش کند و دادگری را از میان ببرد، مشروع نخواهد بود.

۳. دادگری، شرط چندهمسری

در ادامه آیه سوم، خداوند شرطی برای ازدواج با زن دوم و سوم قرار می‌دهد و آن دادگری است. «و اگر بیم دارید که دادگری نکنید، یک همسر گیرید» (نساء/۳).

هر چند خداوند بارها در قرآن کریم بر رعایت عدالت و دوری از ظلم تأکید کرده است (مائده/۹؛ آل عمران/۵۷؛ و ابراهیم/۴۲)؛ ولی تنها آیه‌ای که سه بار و با سه واژه گوناگون بر دادگری تأکید کرده همین آیه است. در ابتدای آیه «برای آن که ستم بر یتیمان روا داشته نشود، همسر دوم و سوم و چهارم بگیرید». در میانه آیه «اگر بیم

دارید که میان همسران دادگری نکنید، تنها یک زن را به همسری گیرید». و در پایان آیه «این راه و روش [تک همسری] بهتر است تا آن که به ستم نگراید».

۱۵۵

در آیه ۱۲۹ سوره نساء، و برای سومین بار خداوند مردان را به لزوم رعایت عدالت میان زنان فرمان می دهد و از هوس های گذرا پرهیز می دهد: **﴿وَلَنْ تَسْطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمْسِيلُوا كُلَّ الْمَيْنِ فَتَنْزُرُوهَا كَالْمَعْلَقَةِ﴾**؛ و هرگز نمی توانید بین زنان دادگری کنید، هر چند پس خواهان آن باشید؛ پس هر هوسری را پیگیری نکنید که [در نتیجه] آن زن را سرگردان [بلا تکلیف، معلق] رها کنید(نساء/۱۲۹).

ممکن است به نظر برسد که مجموع آیات قرآن بر آن دلالت می کند که، مرد نباید بیش از یک زن را به همسری بگیرد؛ زیرا آیه سوم سوره نساء می فرماید: «اگر نمی توانید بین زنان (همسران) به عدالت رفتار کنید، یک زن را به همسری بگیرید»(نساء/۳). و آیه ۱۲۹ همین سوره می فرماید: «هرگز نمی توانید بین زنان عدالت را اجرا کنید. پس نتیجه آن است که مردان هیچ گاه نمی توانند چند زن را به همسری گیرند»(نساء/۱۲۹).

این ابهام برای برخی از اصحاب امام صادق علیه السلام پیش آمد، و امام در پاسخ آنان چنین فرمود: «آیه سوم سوره نساء مردان را فرمان می دهد که در همبستری، حضور، نفقه(هزینه های زندگی)، لبخند، مسکن و هدیه میان زنان به دادگری رفتار کنید». و آیه ۱۲۹ سوره نساء اجرای کامل و گسترش عدالت -حتی در محبت قلبی- میان زنان را ناممکن می شمرد. مرد می تواند دارایی و وقت و رفتارهای محبت آمیز خویش را میان دو زن به برابری تقسیم کند، ولی نمی تواند دوستی و قلب خویش را به دو نیمة مساوی بخش کند و بی گمان در دل یکی از همسرانش را بیش از دیگری دوست خواهد داشت(کلینی، ۱۳۶۲: ۵۱۸/۵).

از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است که چون وقت و دارایی خویش را میان همسرانش تقسیم می کرد، به خداوند چنین خطاب می کرد: «خدایا، این تقسیم من است در آن چه مالک آن هستم، پس مرا در تقسیم آن چه من مالک آن نیستم و تو مالک آنی، ملامت نکن!»(طوسی، ۱۴۰۹: ۳۴۸/۳)

بنابراین، عدالتی که رعایت آن شرط جواز چند همسری قرار داده شده؛ عدالت در تقسیم دارایی و زمان و همبستری است. و عدالتی که رعایتش از توان مردان خارج است، عدالت در مهر و محبت قلبی است.

بر اساس آن‌چه گذشت، قرآن کریم بر آن دلالت دارد که از سویی رعایت عدالت میان یتیمان و بیوگان زمینه و حکمت جواز چندهمسری است. و از سویی دیگر، دادگری میان همسران شرط جواز ازدواج یک مرد با چند زن است و اگر این شرط تأمین نشود، تنها گونه ازدواج همان تکهمسری خواهد بود. و به بیان دیگر، آغاز و جریان و پایان چندهمسری اجرای عدالت است.

۴. تنوع طلبی و افزون خواهی

حقیقت آن است که بسیاری از مردان و زنان تمایل دارند هم‌زمان چند شریک جنسی داشته باشند. آیا چندهمسری ریشه در این تمایل ندارد؟ پاسخ منفی است. مردان و زنان شهوت‌ران و فرون‌طلب همواره از زیر بار تشکیل خانواده و ازدواج دائم فرار می‌کنند، آنان مایلند که چند صباحی از کسی بهره ببرند و پس از آن ویرا رها کنند. مردان عشرت‌طلب از ازدواج و پذیرش یک‌همسر دائمی فراری هستند، چه رسید به چند همسر. و البته این تمایل از دیدگاه اسلام نیز منفی و نابجاست. بنابر گفته پیامبر اکرم ﷺ: «خداؤند مردان و زنان عشرت‌طلب (ذوق و ذوقات) را دوست ندارد» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰/۲). و امام صادق علیه السلام فرماید: «خداؤند بر مردانی که پی‌درپی زن طلاق می‌دهند (مطلاق) و هوسرانی می‌کنند، خشم می‌گیرد». (کلینی، ۱۳۶۲: ۷۸/۶)

بنابراین آن‌چه که در جوامع گوناگون موجب می‌شود، مردان همسران متعدد اختیار کنند، تنوع طلبی و فرون‌خواهی مردان نیست. و اگر در مواردی نیز ازدواج مجدد براین پایه شکل بگیرد و دادگری در آن رعایت نشود، چنین ازدواجی مورد پذیرش و تأیید شریعت اسلامی نخواهد بود.

۵. چندهمسری و زمانه ما

گذشت که ازدواج یک مرد با چند زن در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف رواج داشته است. حال به طرح یک پرسش اساسی می‌پردازیم: چه عامل یا عواملی موجب می‌شد که یک مرد بتواند با بیش از یک زن ازدواج کند؟

یا به بیان دیگر، چرا در جامعه به ازای یک مرد، چند زن قرار می‌گرفتند؟

۱۵۷

آمار تولد نوزادان پسر و دختر تقریباً برابر است. ولی آنچه که تناسب و تناظر جنسیتی جمعیت را بر هم می‌زند؛ آمار مرگ و میر در میان مردان و زنان بوده و هست. در گذشته مردان بیشتر در حوادث خشونت‌بار شرکت می‌جستند؛ دفاع از خانواده، سرزمین و یا نظام سیاسی، جنگ‌ها و فتوحات، شکار و سفرهای تجاری که بیشتر بس خطرناک بودند، همه بر دوش مردان بود. به همین دلیل بیوه‌زنان و دختران یتیمی بر جای می‌ماندند که زمینه را برای چند همسری فراهم می‌کردند. در زمانه‌ما نیز آمار و ارقام مرگ و میر این واقعیت را به آشکاری نشان می‌دهد.

سید حامد برکاتی، مدیر کل دفتر سلامت جمعیت وزارت بهداشت، اعلام کرد: بر پایه آمار سال ۱۳۹۰. میزان مرگ و میر در گروه سنی ۳۰ تا ۷۰ سال، مردان ۱/۷ برابر بیشتر از زنان فوت کرده‌اند. در این سال ۷۲ هزار مرد و ۴۰ هزار زن فوت کرده‌اند. مردان بیشتر از زنان در معرض استرس‌ها، آلودگی‌های و بیماری‌های قلبی و عروقی و حوادث عمد و غیرعمد منجر به فوت قرار می‌گیرند به گونه‌ای که حوادث و سوانح عمد ۴/۳ برابر، حوادث غیرعمد ۳/۶ برابر، بیماری‌های عفونی ۳ برابر، و بیماری‌های اعصاب و روان ۷ برابر در مردان بیشتر از زنان است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶/۱۲/۱).

بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۴. در کل کشور و در همه رده‌های سنی، ۳۷۴۸۲۷ نفر فوت شده‌اند که از این شمار، ۲۱۰۱۱۷ نفر مرد و ۱۶۴۵۹۰ زن بوده‌اند. بر این اساس مردان در گذشته ۴۵۵۲۷ نفر بیشتر از زنان بوده‌اند. این تفاوت در سال ۱۳۹۵ به ۴۸۹۷۳ نفر رسیده است. نکته قابل توجه آن است که تفاوت آماری در گذشتگان مرد و زن در رده سنی ۳۰ تا ۲۰ سال بسیار بزرگ‌تر است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵، ۱۵۸۳۸ مرد تا ۳۰ سال، و ۷۰۹۳ زن در این سن در گذشته‌اند که بر این اساس شمار مردان در گذشته در سن ۳۰-۲۰ سال بیش از دو برابر زنان در این سن است (سایت رسمی سازمان ثبت احوال به آدرس: ir. Sabteahval.).

یکی از علل مرگ و میر در جهان، و به ویژه در ایران، تصادفات رانندگی است. سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است که در ۱۴ سال گذشته، ۳۱۵ هزار نفر در تصادفات فوت کرده‌اند که شمار مردان در گذشته به طور متوسط چهار برابر زنان است.

این تفاوت آماری در سطح جهان نیز دیده می‌شود. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در گزارش جهانی وضعیت اینمی جاده اعلام کرد که ۷۷٪ کشته شدگان در سوانح جاده‌ای مرد و ۲۳٪ زن هستند(خبرنگاری مهر، ۱۳۹۴/۷/۱۵ شناسه خبر ۲۹۳۹۴۷ به نشانی: Mehrnews.com).

آمار قتل عمد نیز قابل تحلیل و بررسی است. دفتر امور جرم و مواد مخدر سازمان ملل اعلام کرد که در سال ۲۰۱۲ بیش از ۴۳۷ هزار نفر به قتل رسیده‌اند که از این شمار ۸۰ درصد قربانیان و ۹۵٪ عاملان قتل، مردان بوده‌اند(سایت خبری فرارو، کد خبر ۱۸۶۲۳۹ به نشانی: Fararu.Com).

این آمار در ایران نیز قابل توجه است. بنابر آمار پژوهشکی قانونی، در سال ۱۳۹۶، ۵۴۷ هزار مورد نزاع منجر به قتل یا جرح روی داده است که قربانیان این نزاع‌ها ۳۷۶ هزار نفر مرد و ۱۷۱ هزار زن بوده‌اند(سایت رسمی سازمان پژوهشکی قانونی به نشانی: Ir. Lmo.).

نتیجه این دست آمار آن است که شمار زنان در سن ازدواج بسیار بیشتر از مردان خواهد بود. این نتیجه را در آمار رسمی نیز شاهد هستیم. دکتر شهلا کاظمی، معاون پژوهشی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در مصاحبه با خبرگزاری مهر اعلام کرد: «آمار زنانی که همسر خویش را از دست داده‌اند و مجرد زندگی می‌کنند، یک میلیون و ۸۹۱ هزار نفر در کل کشور است. بر این اساس آمار زنان بیوه بدون همسر شش برابر آمار مردان بدون همسر است(سایت تابناک، ش.خ. ۴۵۴۵۷، به نشانی Tabnak. Ir.). در جنگ و درگیری‌های نظامی نیز مردان، به ویژه مردان جوان، بیشتر کشته می‌شوند. پس از دو جنگ جهانی، در آلمان نزدیک به ۶ میلیون زن بیوه، به حال خودشان رها شده بودند؛ آنان به گونه‌ای متسلک، خواستار لغو ممنوعیت ازدواج مجدد شدند. پس از جنگ جهانی تناسب جمعیت مردان و زنان در روسیه و انگلیس نیز به شدت به هم خورده بود. در جریان سه جنگ رژیم بعضی عراق با ایران، کویت و آمریکا و همچنین اعدام‌های دست‌جمعی و سپس انفجارهای اتحاری پرشمار در مراکز پلیس، ارتش، بازارها و مساجد عراق، این مردان بودند که به طور متوسط چهار برابر بیشتر از زنان کشته می‌شدند. آمار بسیار بیوه‌زنان موجب آن شد که سازمان ملل

روز ۲۳ ژوئن (دوم تیرماه) را به عنوان روز جهانی بیوه اعلام کند. دبیر کل سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد ۱۱۵ میلیون زن بیوه در جهان با تهی دستی زندگی می‌کنند.

در برابر این واقعیت‌های خارجی، سه راه می‌توان در نظر گرفت: اول آن‌که زنان بدون همسرمانده تنها زندگی کنند. نتیجه آن است که زنان بسیاری از حق داشتن همسر محروم می‌شوند و در معرض آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی قرار گیرند. دوم آن‌که هر مرد تنها مجاز باشد با یک زن ازدواج کند و زنان بدون همسرمانده به عنوان دوستان و معاشران کوتاه‌مدت مردان در نظر گرفته شوند. این طرح حرمت بانوان را مخدوش می‌سازد، اعتماد میان زن و شوهر را می‌کاهد، و زمینه را برای فساد و سوءاستفاده می‌گشاید.

راه حل سوم آن است که مردانی که توانایی مالی و جسمی دارند، مجاز باشند که به تعداد مشخصی از زنان را به همسری رسمی بگیرند و البته تمام آن زنان عضو اصلی خانواده به شمار آیند و از حقوق همسری برخوردار باشند. البته این مسیر نیز عوارضی در پی دارد: وقت، رفاه، همبستری و محبت و حتی ارت مرد بین چند زن تقسیم می‌شود و هر یک از آنان بخشی از این خواستنی‌ها را به دست می‌آورند. کشمکش میان زنان برای دست‌یابی به سهم بیشتر از زندگی و کاستن سهم شریک سرمی گیرد که این کشمکش‌ها در محیط خانواده تنش ایجاد می‌کند. ولی آیا این راه سوم بهتر از دو راه پیشین نیست؟

به نظر می‌رسد عامل طبیعی تشکیل خانواده‌هایی با چند زن، چه در گذشته و چه هم‌اکنون، نبود تناسب و توازن جنسیتی در جمعیت یا به بیان دیگر، بیشتر بودن شمار زنان از مردان بوده و هست.

در برخی جوامع نیز ممکن است این توازن به گونه‌ای دیگر بر هم خورد. در کشور چین از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ (۳۶ سال)، سیاست تک‌فرزندی حاکم بود و هر خانواده حق داشت تنها یک فرزند بیاورد. و از آنجا که خانواده‌ها فرزند پسر را ترجیح می‌دادند و جنین دختر را از میان می‌بردند، توازن جنسیتی در این کشور بر هم خورد و بر پایه سرشماری سال ۲۰۱۰ نسبت تولد پسران به دختران، ۱۱۸ به ۱۰۰ شد. با این حال، این تفاضل جمعیتی پسران بر دختران در رده‌های سنی بزرگ‌تر کاسته می‌شود و

۶. چند همسری؛ یک سویه یا دو سویه

رفتارها و گرایش‌های جنسی در مردان و زنان همسان و شبیه، به نظر می‌رسد. در هر دو سو، برخی توان و نیاز جنسی بسیار و طولانی مدت دارند، و برخی چنین نیستند. برخی دوست دارند با یک همسر زندگی کنند و برخی چند شریک جنسی می‌طلبدن. بسیاری از مردان هستند که همسرشان پاسخ‌گوی نیازشان نیست و بسیار زنان که شوهرشان آنان را کفایت نمی‌کنند. هم‌چنین مردان و زنان ممکن است به بیماری‌هایی گرفتار شوند که زندگی با آنان دشوار شود یا نابارور باشند.

پرسش آن است که چرا اسلام یک سویه عمل کرده است و به مرد اجازه داده که در یک زمان با چند زن پیوند داشته باشد و از آنان کام بگیرد؛ ولی برای یک زن تنها رواست که همسر یک مرد باشد و زن شوهردار به هیچ وجه نمی‌تواند با مرد دیگری رابطه داشته باشد؟! مگر نه آن که زنانی نیز هستند که مانند مردان تنوع طلب با افرون‌خواه هستند؟ و یا شوهر آنان نیاز جنسی آنان را برطرف نمی‌کند؟ و مگر نه آن که برخی مردان مانند برخی زنان، نمی‌توانند فرزندی بیاورند و یا دچار بیماری شده‌اند؟! چرا مردان در چنین وضعیت‌هایی می‌توانند همسر دوم بگیرند و یا دست کم ازدواج موقت کنند؛ ولی زنان در وضعیت مشابه اجازه ندارند، از مرد دیگری کام گیرند؟

وضعیت‌هایی که در متن پرسش مطرح شده بود؛ چندگونه بود. گذشته گفته شد که گرایش تنوع‌طلبی و فرون‌خواهی به هیچ روی تأیید نشده است، قرآن کریم و پیامبر اسلام ﷺ از این گونه روابط بازداشت‌هایند، چه از سوی مرد انحصار گیرد و چه از سوی زن، و حتی اگر در پوششی شرعی صورت پذیرد.

در مورد بیماری‌هایی که بر اثر آن‌ها زندگی مشترک، یا به ویژه هم‌بستری، دشوار یا ناممکن می‌شود؛ حکم اسلام درباره زن و مرد برابر است. بنابر روایات و متون فقهی اگر مرد پیش از ازدواج دچار بیماری‌های جنون، خواجگی، ناقوانی جنسی، جذام و یا خشی باشد و یا زن دچار جنون، جذام، برص (پیسی)، کوری و فلچ زمین‌گیر باشد، و

بیماری یا ناتوانی خویش را پنهان نموده باشند، طرف مقابل حق دارد عقد ازدواج واقع شده را فسخ کند. اگر این عیوب پس از عقد ایجاد شود، طرفین حق فسخ ندارند؛ ولی با توافق یک دیگر می توانند از هم جدا شوند.

اگر زن سردمزاج و کمر رغبت باشد؛ در درجه اول به مرد توصیه می شود با انجام مقدماتی همسرش را نسبت به آمیزش راغب کند و بر لذت و خوشی وی و خود بیفزاید. و اگر این کار کارگر نیفتاد، مرد می تواند زنی دیگر را به همسرش بگیرد. و اگر مرد سردمزاج و کمر رغبت بود و این حالت قابل درمان بود، یک سال به وی مهلت داده می شود تا خود را درمان کند؛ و اگر چنین نکرد یا درمان نشد، باید زن را طلاق دهد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰۷-۲۲۶/۲۱).

همان گونه که در فقه اسلامی، تمکین و پذیرش آمیزش بر زن واجب است؛ انجام آن بر مرد (دست کم چهار ماه یکبار یا به اندازه نیاز همسرش) نیز واجب است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۴۲/۲۱).

آری، تفاوت حکم اسلام در مورد زن و مرد در یک نکته است: مرد می تواند در یک زمان چند زن را به همسرش بگیرد؛ ولی زن نباید بیش از یک مرد را همسر خویش قرار دهد. علت این تفاوت در روایات اسلامی بارها گفته شده است: فرزندان در خانواده ای که از یک مرد و چند زن تشکیل شده است، پدر و مادرشان مشخص است. ولی اگر یک زن با چند مرد رابطه جنسی داشته باشد، پدر فرزندانش مشخص نیست.

در خانواده چند زنی، یک مرد به عنوان پدر، مسئول فرزندان و به عنوان شوهر، مسئول زنان است. ولی در ارتباط یک زن با چند مرد، هیچ یک از مردان مسئولیت فرزندان و یا حتی آن یک زن را به گردان نمی گیرد.

در حجایز پیش از اسلام، مردان و زنان می توانستند شریکان جنسی متعدد داشته باشند. از این روی زنان فرزندانی به دنیا می آوردنند که پدرشان مشخص نبود. اگر نوزاد پسر بود، هر یک از مردانی که با آن زن هم ستر شده بودند، نوزاد را برای خود می خواستند. در این صورت، گاه زن را حکم قرار می دادند و گاه افراد قیافه شناس را به داوری می خواندند تا بر اساس شباهت های صورت و اندام، از میان چند مرد، پدری برای این نوزاد برگزینند. (ابوداود، بی تا: ۲۸۱/۲، ح ۲۲۷۲).

این داوری‌ها هیچ‌گاه مردم را نسبت به وجود رابطه پدری-پسری قانع نمی‌کرد؛ تا آنجا که پس از ظهور اسلام، افراد زیادی به پیامبر اکرم ﷺ مراجعه کردند و از آن حضرت تقاضا نمودند که مشخص کند: آیا پدر واقعی آنان همین مردی است که هم‌اکنون پدرش شناخته می‌شود؟ این درخواست‌ها آن مقدار پرشمار شد که خداوند مسلمانان را از طرح این گونه پرسش‌ها براحت داشت (طوسی، ۳۶/۴: ۱۴۰۹). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید که اگر پاسخش برای شما آشکار شود، شما را بد آید» (مائده/۱۰۱).

هم‌اکنون این رویداد در برخی کشورهای مغرب زمین روی می‌دهد و پدر فرزندان بر پایه آزمایش DNA شناخته می‌شود. آیا امکان این گونه آزمایش‌ها برای همگان و در سطح وسیع فراهم است؟ و آیا رابطه پدر-فرزندی بر پایه پاسخ آزمایشگاه برقرار می‌شود؟ اگر زنی با چند مرد رابطه جنسی برقرار کند، ممکن است هیچ‌یک از مردان مسئولیت مالی-اجتماعی فرزند را نپذیرند و ممکن است همه مردان خواستار آن فرزند شوند، و در هر صورت رابطه پدر-فرزندی همواره مورد تردید قرار می‌گیرد و در پی لرزان و لغزان شدن این پیوند، میان نسل‌ها گستالت و شکست روی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

یک دین، مانند اسلام، مجموعه قوانین، مقررات و برنامه‌ها است. این مجموعه در کنار یک‌دیگر و با هم معنادار و نتیجه‌بخشن خواهد بود. همان‌گونه که چشم، ابرو، بینی، لب و گونه در کنار یک‌دیگر صورتی زیبا را تشکیل می‌دهند، و اگر چشم‌ها از حدقه درآید، نه تنها زیبا نیست، بلکه زشت و ترسناک است. دین اسلام، ازدواج یک مرد با حداکثر چهار زن را به شرط رعایت عدالت روا دانسته است؛ ولی جدا کردن این حکم از منظومه احکام اسلام در حوزه خانواده می‌تواند ریشه بسیاری از کژفهمی‌ها و گاه غرض‌ورزی‌ها شود. بررسی دقیق آیه سوم سوره نساء، تنها آیه‌ای که چند همسری را روا داشته، بدین نتیجه می‌انجامد که چند همسری در پی مرگ مردان (سرپرستان خانواده) و بر جای ماندن یتیمان و بیوه‌زنان و در جهت دادگری میان این بازماندگان بی‌سرپرست روا دانسته شده است. این امر در کنار تأکید چندباره بر رعایت عدالت

میان همسران نشان دهنده آن است که چند همسری نه به عنوان یک وضعیت نخستین مطلوب، بلکه در بی رویدادهای ناگوار اجتماعی و به عنوان یک ضرورت مجاز شده است؛ در پی آمار بالای مرگ و میر در مردان و فزونی شمار مردان در سن ازدواج بر زنان، تناسب جنسیتی در جمیعت بر هم می خورد. از این‌رو، چند همسری به مثابه ضرورتی اجتماعی، پدیدار می‌شود. بر این اساس، حکم شرعی به جواز چند همسری باید در مجموعه احکام، برنامه‌ها، آموزه‌های اسلامی در نظر گرفته شود. جداسازی، تفکیک و برجسته نمودن این حکم نادرست است. شریعت اسلامی برای کاستن از پیامدهای ناخوشایند این پدیده، از چند جهت آنرا محدود و مشروط ساخته است. در آیات پرشمار همگان، و به ویژه مردان، به رعایت عدالت فرمان داده شده‌اند، به مردان فرمان داده شده که با زنان معاشرت پسندیده (معروف) داشته باشند. (نساء/۱۹)

هزینه‌های متعارف خوراک و پوشاك هر زن بر عهده همسرش قرار دارد. (بقره/۲۳۳)

در فرض ناسازگاری میان زن و شوهر و در آستانه جدایی نیز مردان به نیکوکاری فرمان داده شده‌اند؛ مردان می‌باشند متعارف با همسرشان سر کنند یا به نیکی از او جدا شوند (بقره/۲۲۹). به مردان هشدار داده می‌شود که به گونه‌ای زیان‌زننده و رنج‌آور، زنان را در خانه نگاه ندارند (بقره/۲۳۱). و مردان از معلق نهادن و سرگردان رها نمودن زنان نهی شده‌اند (نساء/۱۲۹).

و پیام‌آور اسلام، محمد مصطفیٰ ﷺ فرمود: «خداؤند مردان و زنان عشرت طلب را دوست ندارد» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰/۲: ۱۴۰، ۵).

و فرمود: «از خدا پروا داشته باشید، از خدا پروا داشته باشید درباره دو گروه کم‌توان: یتیمان و زنان، که بی گمان بهترین شما، بهترینتان برای خانواده خویش است» (حمیری، ۱۴۱۳، ۹۲: ۳۰۶).

مجموعه این آموزه‌ها و فرمان‌ها راه را بر هوسرانی و روابط پنهان و بدون تعهد می‌بندد و تنها برای حل مشکل خانواده‌های بی سرپرست و رعایت حال یتیمان، ازدواج مرد با بیش از یک زن را مجاز می‌شمرد.

آیا اندیشمند و قانون‌گذاری می‌تواند قانونی جامع‌تر، واقع‌بینانه‌تر و کامل‌تر ارائه دهد؟

كتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن علی احسانی، عوالی الثنالی. قم، نشر سید الشهداء، ۱۴۰۵.
۳. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحیر المحيط فی التفسیر. بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲.
۴. ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود. بیروت، المکتبة العصریة، بی تا.
۵. امین (بانوی اصفهانی)، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۶. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل. بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۱۸.
۸. خوبی، سید ابوالقاسم، التتفییح فی شرح العروه الوثقی. قم، دارالهادی، ۱۴۱۰.
۹. حرج عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه. قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد. قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳.
۱۱. سبزواری، سید عبدالاعلیٰ، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت، موسسه اهل بیت، ۱۴۰۹.
۱۲. ایوب، سعید، زوجات النبي. بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۷.
۱۳. سید رضی، محمد بن حسین موسوی، حقائق التأولی فی متشابه لتنزیل. نجف: منتدى النشر، (۱۳۵۴).
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، موسسه الرسالۃ، ۲۰۰۰.
۱۶. طوosi، محمد بن حسن، التبیان الجامع لعلوم القرآن. بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۹.
۱۷. کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۵.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الكافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۹. لوپون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب. ترجمه، سید محمد تقی گیلانی، تهران، کتابچی، ۱۳۸۷.
۲۰. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان. تهران، نشر پارسه، ۱۳۹۰.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الانتماء الاطهار. بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۲۲. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن. تهران، دار محبی‌الحسین، ۱۴۱۹.
۲۳. معرفت، محمد‌هادی، شبہات و ردود حول القرآن. قم، موسسه التمهید، ۱۴۱۳.